

از فلسفه به زبان شناسی

شیوان چمن

حسین صافی



کتابخانه ملی ایران

تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سه راه طالقانی،

خیابان نیرو، شماره ۷/۱

صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۸۹۴، تلفن: ۷۷۵۲۹۹۰۷

از فلسفه به زبان شناسی

نویسنده: شیوان چپمن

مترجم: حسین صافی

• چاپ اول ۱۳۸۴ تهران • شمارگان ۱۲۰۰ نسخه

• چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

• لیتوگرافی: خدمات فرهنگی صبا • طرح روی جلد: حسن کریمزاده

شابک: ۹۶۴-۷۲۸۷-۶۳-۶ ISBN 964-7387-63-6

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است Printed In Iran

Chapman, Siobhan

چپمن، شیوان، ۱۹۶۸-م.

از فلسفه به زبان شناسی / نویسنده: شیوان چپمن؛ ترجمه: حسین صافی. —

تهران: گام نو، ۱۳۸۴.

۳۱۶ص: جدول: ۱۴/۵ x ۲۱/۵ س.م.

ISBN 964-7387-63-6

Philosophy for linguists: an introduction, 2000

عنوان اصلی:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۳۰۵-۳۱۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. زبان و زبان شناسی — فلسفه. الف. صافی، حسین، مترجم.

ب. عنوان.

۴۰۱

۱۲الف ۲۳ج/ P1۰۶

۱۳۸۲

۱۳۳۶-۸۴م

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

۹.....	یادداشت مترجم
۱۱.....	پیشگفتار
۱۳.....	مقدمه
۱۴.....	فلسفه
۱۷.....	زبان‌شناسی
۲۰.....	دیدگاه کلی
۲۴.....	منابع پیشنهادی
۲۵.....	فصل اول: واژه‌ها و چیزها
۳۵.....	فلسفه‌ی کلاسیک
۴۲.....	تجربه‌گرایان انگلیسی
۵۰.....	نام‌ها
۵۲.....	کاربرد و بیان
۵۵.....	جان استوارت میل و ارجاع مستقیم
۵۹.....	آرای فرگه درباره‌ی مفهوم و مصداق
۶۶.....	آرای راسل درباره‌ی اوصاف
۷۲.....	کرپیکه و نامیدن

۷۵	واژه‌ها و چیزها در زبان‌شناسی
۷۹	منابع پیشنهادی
۸۳	فصل دوم: گزاره‌ها و منطق
۸۷	گزاره‌ها
۹۱	منطق صوری
۹۲	منطق گزاره‌ها
۱۰۲	منطق محمول‌ها
۱۰۷	استلزام و پیش‌انگاری
۱۰۹	فرگه و پیش‌انگاری منطقی
۱۱۱	راسل و ارجاع
۱۱۵	استراوسون و ارجاع
۱۲۰	پیش‌انگاری کاربردی
۱۲۶	منطق و زبان‌شناسی
۱۳۱	منابع پیشنهادی
۱۳۵	فصل سوم: ارزش صدق و واقعیت
۱۴۰	شرایط صدق
۱۴۲	جملات تحلیلی و ترکیبی
۱۴۹	تحقیق‌پذیری
۱۵۷	نظریه‌های صدق
۱۶۸	جهان‌های ممکن
۱۷۱	وجه
۱۷۸	ترکیبات خلاف واقع

۱۸۲.....	دستور موتاگیو.....
۱۸۴.....	معناشناسی زبانی.....
۱۸۸.....	منابع پیشنهادی.....
۱۹۱.....	فصل چهارم: گوینده و شنونده.....
۱۹۸.....	فلسفه‌ی زبانی ویتگنشتاین.....
۲۰۴.....	فلسفه‌ی زبان متعارف.....
۲۰۷.....	کارگفت‌ها.....
۲۱۰.....	افعال کنشی.....
۲۱۵.....	بار منظوری.....
۲۱۶.....	دیدگاه سرل درباره‌ی کارگفت‌ها.....
۲۱۹.....	معنا و منظور.....
۲۲۴.....	تضمن کلامی.....
۲۲۵.....	زبان طبیعی و منطق.....
۲۳۲.....	اصل همکاری.....
۲۳۸.....	تخظی از شرط‌های ارتباط کلامی.....
۲۴۲.....	کاربردشناسی.....
۲۴۸.....	منابع پیشنهادی.....
۲۵۲.....	فصل پنجم: زبان و ذهن.....
۲۵۵.....	نشانه‌ها و ساخت‌ها.....
۲۵۹.....	جبر زبانی.....
۲۶۴.....	تجربه‌گرایی.....
۲۶۵.....	پلومفیلد.....

۲۶۹		کواپن
۲۷۵		فرضیه‌ی فطریّت
۲۸۲		ضد ذاتی‌گرایی
۲۸۵		استعداد زبانی
۲۸۸		دانش زبانی و کاربرد زبان
۲۹۱		زبان‌شناسی تجربه‌گرا و ذهن‌گرا
۲۹۶		منابع پیشنهادی
۲۹۹		کتابنامه

یادداشت مترجم

مترجم، خود به عنوان دانشجوی رشته‌ی زبان‌شناسی، همواره در جستجوی منبعی بود که مباحث پراکنده‌ی معناشناسی و خاستگاه‌های فلسفی نظریه‌های معنایی به‌طور منسجم در آن گردآمده باشند. او در این راه کتاب حاضر را بسیار سودمند یافت.

این ترجمه پیشگشی است به تمام همراهان.

پیشگفتار

هنگامی که در دانشگاه کنت در کانتربری مشغول تدریس زبان‌شناسی و زبان انگلیسی بودم به فکر نوشتن این کتاب افتادم. در آن دوره گاه در کلاس‌هایم به بحث‌های فلسفی اشاره می‌کردم و همین امر به طور طبیعی باعث ایجاد تشویش در بعضی از دانشجویان شده بود. وقتی از من خواستند منبعی را برای مطالعه‌ی بیشتر به آنها معرفی کنم، در واقع هیچ کتابی را نیافتم که دقیقاً به کارشان آید. پس تصمیم گرفتم کتابی بنویسم. بنابراین، جای دارد از دانشجویان خود در دانشگاه کنت تشکر کنم که مرا به نوشتن این کتاب واداشتند. همچنین از همکارانم، تونی بلکس که مشوق من در انتشار کتاب حاضر بود سپاسگزارم.

وظیفه‌ی خود می‌دانم که از هیئت زبان‌شناسی انتشارات راتلج نیز قدردانی کنم که با دقت و اشتیاق تمام و گاه بردبارانه بر مراحل نگارش این کتاب از ابتدا تا انتها نظارت داشتند.

در نهایت، مراتب تشکر ویژه‌ی خود را از کریستوفر راتلج و کاترینا مک فرسون ابراز می‌کنم که به ترتیب، نسخه‌های دست‌نویس اول و دوم را خواندند و به دقت درباره‌ی آن نظر دادند. پیشنهادهای جزئی و کلی آنان، بسیار راهگشا بود و هرگونه کاستی و لغزشی که احتمالاً باقی مانده از سوی خود من است، بی‌تردید پیش از مشورت با ایشان خطاها بسیار بیش از این بود.

مقدمه

کسانی که در رشته‌ی زبان‌شناسی تحصیل می‌کنند در نهایت، دیر یا زود مجبور به خواندن منابع فلسفی خواهند شد. این منابع ممکن است به طرح موضوع‌ها و مفاهیم عام فلسفی یا آرای یک فیلسوف و یک نحله‌ی فکری معین پرداخته باشند. در هر صورت، دانشجویان زبان‌شناسی شاید در پی یافتن راهی برای درک ارتباط فلسفه با موضوع‌های زبان‌شناختی مورد علاقه‌ی خود باشند. ولی حتی اگر بدانند که خواندن فلسفه را از کجا باید شروع کرد، احتمالاً درگیر خواندن و درک آثار پیچیده‌ی فلسفی یا مقدمه‌هایی که هیچ اشاره‌ای به زبان‌شناسی ندارند خواهند شد. کتاب حاضر دقیقاً برای رفع نیاز این دسته از دانشجویان نگاشته شده و هدف آن معرفی برخی از پیشینه‌های فلسفی و مرتبط‌ساختن آنها با بحث‌های رایج در زبان‌شناسی است.

عجیب نیست که زبان‌شناسی ارتباط چنین نزدیکی با فلسفه دارد. اگرچه زبان‌شناسی رشته‌ی تحصیلی تقریباً جدیدی است، بسیاری از اندیشه‌های زبانی رایج در آن ریشه در آرای دآرنده که دهه‌ها و قرن‌ها پیش از این شکل گرفته‌اند. در اصل بسیاری از این عقاید و اندیشه‌ها را فلاسفه معرفی کرده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که بعضی از حوزه‌های مطالعه‌ی زبان دست‌کم تا حدودی از دل فلسفه سربرآورده‌اند و مدت‌ها بعد از آن به مباحث کانونی رشته‌ی نوخاسته‌ی زبان‌شناسی تبدیل شده‌اند. همچنین، مباحث مربوط به ماهیت زبان و به خصوص ماهیت معنا که همگی

خاستگاه‌های فلسفی دارند در تمام حوزه‌های مطالعه‌ی زبان به کار رفته‌اند. چنان که خواهیم دید، مباحث مذکور حتا مورد توجه کسانی قرار گرفته‌اند که زبان را در درجه‌ی نخست، وسیله‌ی برقراری ارتباط یا نوعی رفتار مخصوص انسان می‌دانند و از این‌رو به بررسی اهمیت کاربرد تحلیل‌های دقیق فلسفی در زمینه‌های مورد علاقه‌ی خود می‌پردازند.

نگارنده با این فرض که خوانندگانش هیچ چیز درباره‌ی فلسفه نمی‌دانند، فیلسوفان و مبانی فکری آنها را از ابتدا معرفی کرده است. با این حال، مخاطبین کتاب حاضر کسانی هستند که مباحث تخصصی زبان‌شناسی را دنبال می‌کنند و یا به کلیات این رشته علاقه‌مندند. به همین دلیل، از شرح مفصل آرا و نظریه‌های زبان‌شناختی صرف نظر شده است و فقط در بخش مقدمه به بعضی از این نظریه‌ها اشاره خواهد شد. دنباله‌ی بحث‌ها را می‌توان در کتاب‌هایی که در پایان این بخش پیشنهاد شده‌اند پی گرفت. در ادامه، ابتدا نگاهی خواهیم داشت به فلسفه که در طول کتاب با مباحث آن سر و کار خواهیم داشت. سپس خواهیم گفت که چرا بیشترین حجم کتاب به این‌گونه مسایل اختصاص دارد.

فلسفه

هزاران سال است که آدمی در همه جای دنیا به مسایل مختلف فلسفی اندیشیده است. ولی ما در این کتاب، بیشتر توجه خود را به آرای فیلسوفان آمریکایی و انگلیسی قرن بیستم معطوف خواهیم کرد. مطمئناً منظور ما این نیست که دیگر آثار فلسفی به کار زبان‌شناسان نمی‌آیند و یا این که در دیگر زمان‌ها و مکان‌ها هیچ اثر درخور توجهی در باب زبان خلق نشده است. دلیل توجه به این آثار آن است که فلسفه‌ی قرن بیستم در انگلستان و به

خصوص فلسفه‌ی تحلیلی^۱، تأثیری آشکار و مستقیم بر استقلال زبان‌شناسی به عنوان یک رشته‌ی تحصیلی داشته است. شاید بتوان به این بهانه که دانشجویان زبان‌شناسی بیشتر با مباحث مربوط به فلسفه‌ی تحلیلی روبه‌رو می‌شوند، اتخاذ دیدگاهی چنین محدود را توجیه کرد. بدیهی است که فلسفه‌ی قرن بیستم از هیچ به وجود نیامده است. به همین دلیل اشاره‌ای نیز خواهیم داشت به آثاری که در شکل‌گیری این دیدگاه‌ها موثر بوده‌اند. به ویژه، آثار باز مانده از یونان باستان و اروپای قرون هفدهم و هجدهم از این دسته‌اند. با وجود این، از مرور دیگر آرای فلسفی مهم در باب زبان که متعلق به دورانی چون قرون وسطا یا مکاتب فلسفی شرق از قبیل فلسفه‌ی هند و چین هستند خودداری خواهیم کرد.

فلسفه‌ی تحلیلی، چنان که از نامش پیداست، رویکردی است به موضوع‌ها و مسائلی که احتیاج به تحلیل دقیق دارند؛ یعنی، در فلسفه‌ی تحلیلی، مسائل و مفاهیم پیچیده به بخش‌های کوچک‌تر تجزیه یا "شکسته" می‌شوند و به این ترتیب، امکان درک آسان‌تر آنها فراهم می‌شود و یا حتا معلوم می‌شود که هیچ مسئله‌ای در کار نبوده است. فلسفه‌ی تحلیلی در ابتدا با روابط منطقی حاکم بر مفاهیم و گزاره‌های مستقل سر و کار داشت. نطفه‌ی این رویکرد احتمالاً در آرای گوتلوب فرگه، فیلسوف آلمانی، و در اواخر قرن نوزدهم بسته شده و سپس در انگلستان و در آثار فلاسفه‌ای چون برتراند راسل نضج یافته است. فلسفه‌ی تحلیلی در اوایل قرن بیستم با روی آوردن به بررسی زبان مورد استفاده در فلسفه و بعدها با پذیرفتن خود زبان به عنوان موضوعی مستقل برای مطالعات فلسفی اصطلاحاً روندی "زبان محور" را در پیش گرفت. این نوع فلسفه‌ی تحلیلی را "فلسفه‌ی زبان"^۲ می‌نامند. فلسفه‌ی زبان اصطلاحی است که به آرای فیلسوفان مکتب

1- Analytic Philosophy

2- Philosophy of language

"فلسفه‌ی زبان متعارف"^۱ در انگلیس اطلاق می‌شود. جان آستین^۲ و پتر استراوسون^۳ از جمله‌ی فلاسفه‌ای هستند که در این کتاب به آنها اشاره خواهد شد.

تحول دیگری که در فلسفه‌ی قرن بیستم رخ داده و زبان در محور آن قرار داشته، فلسفه‌ی قاره‌ای^۴ نام دارد. فلسفه‌ی قاره‌ای اغلب در تقابل با فلسفه‌ی تحلیلی مورد بحث قرار می‌گیرد و اصطلاحاً به گونه‌ای از فلسفه اطلاق می‌شود که منشا آن اروپای بری است. نام فلاسفه‌ای چون فوکو، لیوتار^۵ و دریدا^۶ با فلسفه‌ی قاره‌ای عجین شده است. فنون بیان و مباحثه، شالوده‌ی اسلوب فلسفی این مکتب است که اغلب در سبک نوشتاری اعضای آن نیز متجلی می‌شود. در این رویکرد، به مفاهیم ثابت و معانی مشخص اعتقادی نیست و امکان دست‌یافتن به مفاهیم از طریق تحلیل دقیق زبان مورد استفاده در بیان مسایل فلسفی نفی می‌شود، زیرا خود زبان نیز قابل تعبیر و تفسیر می‌نماید. این سنت فلسفی تأثیر زیادی بر نظریه‌پردازی انتقادی داشته است.

به این ترتیب، فلسفه‌ی قاره‌ای اکنون کاربرد وسیعی در تمام مباحث مربوط به نقد ادبی دارد ولی ارتباط چندانی با موضوعات زبان‌شناختی پیدا نمی‌کند. در این جا بیش از این به معرفی فلسفه‌ی قاره‌ای نمی‌پردازیم و به علاقمندان توصیه می‌کنیم که برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه به بخش

1- Ordinary Language Philosophy

2- John Austin

3- Peter strawson

4- Continental Philosophy

5- Faucault

6- Lyotard

7- Derrida

“منابع پیشنهادی” رجوع کنند. مباحثه‌ی جان‌سرل^۱ و ژاک دریدا نشان‌دهنده‌ی تفاوت میان فلسفه‌ی تحلیلی و فلسفه‌ی قاره‌ای است. انتقاد دریدا از “نظریه‌ی کار گفت”، پاسخ سرل به این انتقاد و سپس جواب دریدا، نماینده‌ی تفاوت در رویکردهای آنان به زبان و دیدگاه‌های فلسفی متفاوت آنهاست. مخالفت دریدا با امکان تحلیل مستدل و بحث معقول، در شیوه‌ی غیرجدی و پیچیده‌ی صحبت‌هایش مشهود است.

یافتن نقاط اشتراک بین فلسفه‌ی تحلیلی و زبان‌شناسی رایج کار دشواری نیست. استدلال منطقی، توجه به جزئیات و تحلیل دقیق کل‌های پیچیده به اجزای سازنده‌ی‌شان، هم در زبان‌شناسی و هم در فلسفه‌ی تحلیلی از اهمیت بسیاری برخوردارند. پذیرش تدریجی زبان به عنوان محور واقعی مطالعات فلسفی که بیشتر تحت تأثیر مکتب تحلیلی حاصل شد، یکی از عوامل موثر در ظهور رشته‌ی تحصیلی زبان‌شناسی بود.

زبان‌شناسی

برخلاف بسیاری از فلاسفه‌ای که در قرون مختلف تاریخ زیسته‌اند، برای زبان‌شناسان بدیهی است که زبان طبیعی به تنهایی موضوعی مهم و جالب برای مطالعه است. به منظور نامیدن زبان‌هایی که انسان‌ها به طور طبیعی به کار می‌برند (انگلیسی، اردو، لهستانی...) و تشخیص آن‌ها از زبان‌های مصنوعی (زبان صوری منطقی، برنامه‌های کامپیوتری و انواع مختلف رمز گذاری) عموماً از اصطلاح “زبان طبیعی”^۲ استفاده می‌شود. اگرچه ممکن است که این دو نوع زبان ویژگی‌های مشترک زیادی داشته باشند، زبان‌های طبیعی را می‌توان در طبقه‌ای مستقل و مشخص جای داد که وظیفه‌ی

1- John Searle

2- Speech Acts Theory

3- natural language

توصیف و تحلیل مختصات این طبقه برعهده‌ی زبان‌شناسان است.

تقریباً هرگونه تعمیمی در مورد زبان‌های طبیعی دچار تناقض خواهد بود، چرا که بسیاری از آرا و نظریه‌های رایج در زبان‌شناسی در تضاد با یکدیگر هستند. از آن جا که مجبور به فرضیه پردازی درباره‌ی زبان‌های طبیعی و نیز ماهیت زبان‌شناسی هستیم، از فرضیاتی استفاده خواهیم کرد که خلاصه‌ی بسیار مختصری از آنها در سه بند زیر آمده است. با وجود این، قصد نداریم که در کتاب حاضر، مفاهیم فلسفی را با نظریه‌ی زبان‌شناختی خاصی مرتبط کنیم. به همین دلیل، در بخش پایانی هر فصل از دیگر نظریه‌های زبانی نیز استفاده خواهیم کرد.

طبق یکی از این نظریه‌ها ویژگی‌های زبان طبیعی را می‌توان در سه حوزه‌ی واج‌شناسی، معناشناسی و نحو توصیف کرد. در توصیف واج‌شناختی یک زبان، چگونگی آرایش آواها و رابطه‌ی آنها با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. معناشناسی به بررسی معنای واژه‌های موجود در یک زبان و همچنین معانی حاصل از ترکیب‌های مختلف این واژه‌ها با یکدیگر می‌پردازد. در حوزه‌ی نحو شیوه‌های مختلف قرار گرفتن واژه‌ها در کنار یکدیگر بررسی می‌شود تا قواعد ساخت جملات به دست آیند. این سه حوزه کاملاً جدا و مستقل از یکدیگر انگاشته می‌شوند، ولی در کنار هم، دستور زبان را می‌سازند. می‌توان گفت دستور هر زبان دانشی است که باید درباره‌ی آن زبان داشته باشیم تا بتوانیم بگوییم که آن را "بلد هستیم". زبان‌شناسان در پی ارائه‌ی الگویی منطبق با دستور زبان هستند که بتوان آن را در توصیف یک زبان خاص به کار برد.

دستور زبان در این نظریه‌ی زبان‌شناختی، دستور زایشی^۱ خوانده می‌شود. زیرا متشکل از مجموعه قواعدی معین برای زایش یا تولید تمام جملات

درست یک زبان خاص است. به این ترتیب، زبان را می‌توان مجموعه‌ای از جملاتی دانست که همگی حاصل عملکرد قواعد موجود در دستور هستند و به همین دلیل جملاتی دستوری به شمار می‌آیند. زبان مجموعه‌ای نامتناهی از جملات است، زیرا به عنوان مثال، هیچ‌گاه نمی‌توان تمام جملات زبان انگلیسی را فهرست کرد. با این حال، تمام جملات یک زبان، حاصل عملکرد شمار محدودی از قواعد هستند و دست‌کم به لحاظ نظری می‌توان آنها را در فهرست محدودی جای داد. دستور هر زبان طبیعی دارای دو نوع قاعده است: یکی قواعد زایشی^۱ و دیگری قواعد گشتاری^۲. قواعد زایشی، ژرف‌ساخت‌ها^۳ را تولید می‌کنند. در سطح ژرف‌ساخت، معنا یا صورت منطقی تعیین می‌شود. پس از عملکرد قواعد گشتاری بر ژرف‌ساخت، روساخت‌ها^۴ حاصل می‌شوند. جزئیات ساختاری و ترتیب توالی واژه‌ها در سطح روساخت تعیین می‌شود.

توصیفی که گزیده‌ای از آن ذکر شد تا حد زیادی برگرفته از آرای نوام چامسکی^۵، زبان‌شناس آمریکایی است که در فصل پنجم به شرح آنها خواهیم پرداخت. چنان که خواهیم دید، چامسکی از اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ تا کنون نظریه‌های مهمی را در خصوص زبان معرفی کرده است. با وجود این، سابقه‌ی بعضی از اصول حاکم بر زبان‌شناسی امروز که حتا از سوی مخالفان رویکردهای چامسکیایی نیز پذیرفته شده‌اند، به اوایل قرن بیستم می‌رسد. برای مثال چارلز موریس^۶ در سال ۱۹۳۸ اظهار کرد که می‌توان در چند

1- generative rules

2- transformational rules

3- deep structures

4- surface structures

5- Noam Chomsky

۶- Charles Morris

شاخه‌ی جداگانه به مطالعه‌ی زبان پرداخت. نکته‌ی مهم‌تر این است که او معتقد بود مطالعه‌ی نحو باید کاملاً مستقل از معناشناسی و شامل "قواعد ساخت"^۱ و "قواعد گشتاری" باشد. البته مفهوم جدایی صورت منطقی "زیرین"^۲ یک جمله — که جایگاه اصلی تعیین معناست — از "روساخت" یا صورت دستوری آن جمله دارای سابقه‌ای حتماً طولانی‌تر از این است. همان‌طور که خواهیم دید، مفاهیمی از این دست را می‌توان در آثار فیلسوفانی چون برتراند راسل^۳ و لودویگ ویتگنشتاین^۴ یافت.

در این کتاب با چگونگی تأثیر اندیشه‌های فلسفی بر مفاهیم موجود در دستور زبان‌های طبیعی تا حدودی آشنا خواهیم شد؛ نحو و معناشناسی را بیشتر مورد توجه قرار خواهیم داد و رابطه‌ی بین فلسفه و واج‌شناسی را هم به طور غیر مستقیم بررسی خواهیم کرد. البته همه‌ی زبان‌شناسان سرگرم مطالعه‌ی دقیق نحو، معناشناسی یا واج‌شناسی زبان‌های طبیعی نشده‌اند، زیرا اگرچه این سه حوزه هسته‌ی توصیف‌های زبانی به حساب می‌آیند، از چگونگی تأثیر بافت موقعیتی بر گفتار و منظور مردم و یا پیامدهای ناشی از کاربرد زبان، در این حوزه‌ها هیچ سخنی به میان نمی‌آید. مباحثی از این دست، در شاخه‌هایی از زبان‌شناسی مانند کاربردشناسی، تحلیل گفتمان و جامعه‌شناسی زبان مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این کتاب به تأثیرات فلسفه بر این حوزه‌ها نیز علاوه بر تأثیرات آن بر سه حوزه‌ی اصلی مطالعه‌ی زبان توجه خواهیم داشت.

دیدگاه کلی

حتا در محدوده‌ای چنین کوچک نیز حجم عظیمی از آثار فلسفی مربوط به

1- formation rules

2- underlying

3- Bertrand Russell

4- Ludwig Wittgenstein

زبان‌شناسی وجود دارد. آنچه در این کتاب خواهیم خواند، به ناچار تنها گزیده‌ای خواهد بود از آرای فیلسوفان مختلف. هر یک از پنج فصل کتاب لزوماً به یک موضوع فلسفی گسترده اختصاص دارد. علت انتخاب فلاسفه‌ای که به ذکر عقایدشان خواهیم پرداخت این است که یا نقش بسیار مهمی در ایجاد تفکرات زبان‌شناختی داشته‌اند و یا می‌توان آنها را نماینده‌ی جریان‌های فکری رایج در زبان‌شناسی دانست. از پرداختن به بسیاری از مباحث دیگر در این جا خودداری شده، زیرا بررسی مباحث مختلف فلسفی یا حتی شناخت آرای یک فیلسوف خاص در این مجال نمی‌گنجد.

تمام فصل‌های کتاب دارای ساختار کلی یکسانی هستند. در ابتدای هر فصل، بعضی از مسایل یا مباحث عام زبانی مطرح می‌شوند. اینها مباحثی هستند که به زبان‌شناسان نیز مربوط می‌شوند، چرا که زبان طبیعی را به تنهایی در کانون توجه خود قرار می‌دهند. بیشترین حجم هر فصل به طرح دیدگاه‌های فلاسفه‌ای اختصاص یافته که به بحث درباره‌ی این مسایل پرداخته‌اند. اندیشه‌های مخالف و گاهی موافق نیز با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در پایان هر فصل مباحثی که بر دانش ابتدایی ما از موضوع‌های مطرح شده در اول فصل افزوده‌اند و همچنین تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم این مباحث بر شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی امروزی ارزیابی می‌شوند. علاوه بر این، هر فصل دارای بخشی به نام منابع پیشنهادی است که خواننده را برای مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی مهمترین مباحث مطرح شده در آن فصل راهنمایی می‌کند. این بخش، هم منابع اصلی مورد استفاده در هر فصل و هم منابع مقدماتی یا تخصصی وابسته به آنها را شامل می‌شود.

محور همه‌ی مباحث این کتاب را می‌توان ماهیت معنا دانست. معنا در تمام شاخه‌های فلسفی مربوط به مطالعه‌ی زبان اهمیتی اساسی دارد. در این صورت، علاوه بر آرای فیلسوفان زبان، آرای تمام کسانی که در زمینه‌ی فلسفه‌ی ریاضیات، منطق، دانش و تفکر فعال بوده‌اند و از اندیشیدن درباره‌ی

زبان رشته‌ی تخصصی خود، اهداف خاصی را دنبال می‌کردند نیز باید مورد توجه قرار گیرد. سؤال‌هایی که فلاسفه با آنها مواجه بوده و هنوز هم هستند، عموماً و در درجه نخست، از جنس "معنای این کلمه چیست؟" نیستند. بلکه، فلاسفه می‌خواهند بدانند این که چیزی به معنای چیز دیگر است و به خصوص این که بخشی از نظام زبان به معنای چیزی در خارج از این نظام است، یعنی چه. رابطه‌ی بین پدیده‌های زبانی و غیرزبانی، در کانون همه‌ی تلاش‌ها برای توصیف زبان جای دارد.

این کتاب را در فصل اول با بررسی پیشینه‌ی اساسی‌ترین نوع این رابطه، یعنی رابطه‌ی بین کلمات و اشیاء آغاز خواهیم کرد و بحث‌های فلاسفه را از دوران باستان تا کنون درباره‌ی این که چگونه یک واژه می‌تواند به معنای "چیزی" یا "مفهومی" باشد، از نظر خواهیم گذراند و به بررسی تأثیر آرای آنان بر معناشناسی واژگانی خواهیم پرداخت. در فصل دوم موضوع‌های وسیعتری را معرفی خواهیم کرد و علاوه بر معنای کلمات، معنای جملات را با توجه به گزاره‌های نماینده‌ی‌شان در نظر خواهیم گرفت. همچنین، اهمیت منطق بنیادین متشکل از روابطی مانند استلزام^۱ و از پیش‌انگاری^۲ را در زبان‌شناسی شرح خواهیم داد. در فصل سوم، چندان به روابط بین جملات زبان نخواهیم پرداخت، بلکه به رابطه‌ی جملات با واقعیت و به خصوص به رابطه‌ی بین معنا و واقعیت توجه خواهیم داشت و راه‌های مختلفی را که فلاسفه و درپس آنها، زبان‌شناسان برای تعیین "صدق" یا "کذب" جملات یا گزاره‌ها پیشنهاد کرده‌اند معرفی خواهیم کرد.

در فصل چهارم موضوع بحث گسترده‌تر می‌شود و نه تنها زبان، بلکه کاربرد آن را در بافت‌های مختلف دربر می‌گیرد. در آن جا خواهیم دید که به‌کاربردن جملات خبری که بتوان "صدق" یا "کذب" آنها را تعیین کرد، تنها

1- entailment

2- presupposition

یکی از کارهای فراوانی است که سخنگویان به واسطه‌ی زبان انجام می‌دهند و به این ترتیب، خواهیم دید که برای به دست دادن توصیفی کامل از زبان باید دست به کاری فراتر از تعیین ارزش صدق گزاره‌ها زد. علاوه بر این، خواهیم گفت که روابط منطقی از قبیل استلزام، به تنهایی برای توضیح راه‌های پیچیده‌ی تولید و درک زبان کافی نیستند. روابط دیگری نیز چون انواع مختلف "تضمن"^۱ وجود دارند که ظاهراً از نوع روابط منطقی نیستند ولی بسیار بهتر از استلزام نشان می‌دهند که در جریان گفت‌وگوها چه روی می‌دهد. در همین فصل شاخه‌ای از فلسفه‌ی تحلیلی را به نام فلسفه‌ی زبان متعارف از نظر خواهیم گذراند و خواهیم دید که این فلسفه چگونه در پیدایش کاربردشناسی موثر بوده است.

فصل پایانی به رابطه‌ی بین زبان و ذهن اختصاص دارد. هم فلاسفه و هم زبان‌شناسان در این خصوص بسیار بحث کرده‌اند. ما در این میان بیشتر به بررسی مجادلات بین "رفتارگرایان"^۲ و "فطری‌گرایان"^۳ که بر سر زبان درگرفته خواهیم پرداخت. مجادله‌ی این دو گروه به طور کلی بر سر این بود که آیا زبان را باید نوعی رفتار مشهود در جامعه به شمار آورد یا دانشی کامل در نزد هر فرد. خواهیم دید که این دو دیدگاه فلسفی چه نقشی در پیدایش "تجربه‌گرایی"^۴ و "ذهن‌گرایی"^۵ در زبان‌شناسی داشته‌اند. به منظور تبیین فرایند زبان‌آموزی و فراتر از آن، توضیح ماهیت خود زبان نظریه‌های مختلفی در چهارچوب هر یک از سنت‌های تجربه‌گرایی و ذهن‌گرایی ارائه شده است.

1- Implicature

2- Behaviourist

3- nativist

4- empiricism

5- mentalism